



داکتر سید عبدالله کاظم

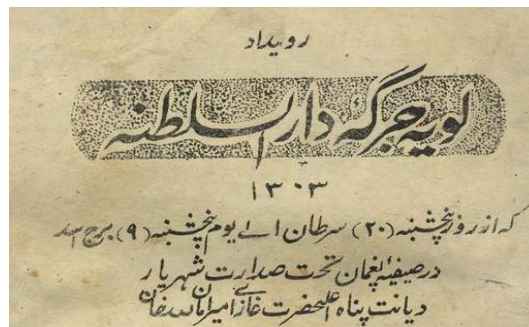
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

30 آگست 2016

## "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت هفدهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

## نظامنامه نفوس

{بعد از اتمام این مذاکره منشی مجلس آغاز بقرائت نظامنامه نفوس کرده حضار به یاد داشت نویسی گذارشات و اعتراضات خود می پرداختند. بعد ختم نظامنامه اعلیحضرت همایونی به پاخواستہ نطق نہایت مفصل و دلچسپ از حد رقت آور غرائی را ایراد فرمودند کہ ما مطالب عمدہ آنرا تا جائیکہ بیاد دارم در ذیل مینویسم . ب . د }

**اعلیحضرت :** خدمت نظامی یک خدمت بسیار بزرگ و مقدس است، زیرا کہ عسکر برای تحفظ دین و ملت و مملکت و نگهداشت شرف و ناموس شما سر بازی میکند. عسکر است کہ برای بدست آوردن و حصول حقوق سیاسی و اقتصادی و سائر منافع ملی دولتی تان از دشمنان خارجه و داخله قطرات خون خود را نثار میکند. کسانیکہ در خدمات نظامی گران جانی میکنند و یا از آن پہلو تھی مینمایند، قرار عقیدہ مذہبی و مقررات دینی عالم اسلامی گویا از جنت می گریزد. ( الجنة تحت ظلال السیوف ) ای ملت عزیزم! حکومت ابداً از وزیر و وکیل تشکیل نمی یابد، حکومت را حکومت حقیقی بریق و لمعان [درخشیدن] سر نیزه ها همی نماید.

اگر شما بگوئید کہ تعلیمات عسکری برای عموم ملت افغانی لازم نیست، درین خیال خود شما سہو کرده اید، زیرا در صورتیکہ شما از مسائل جنگ و استعمال اسلحہ موجودہ و آلات رقم جدیدہ معلومات نداشته باشید، نہ تنها بمقابل دشمنان خویش خجالت و منفعل میشوید بلکہ ہر چند کہ شجاع و دلیر و وطنخواہ باشید، باز ہم بقوای ناریہ و اسلحہ ممکن نیست کہ تا چندی مقابلہ کنید و مغلوب و پریشان نشوید.

اکثری از رجال ملت ما میگویند کہ ما بار بار دشمنان خود را خوار و زیون نموده بیک حالت زار از مملکت خود بیرون کشیدہ ایم و اگر باز خدا نا خواستہ همچنین دست تطاول اغیار بر مملکت ما دراز شود، همانا کہ مکرراً بکیفر کردار رسانیدہ خواهد شد. بلی آقا! قول و دعوی شما درست است. اما و اسفا آن وقایع را کاملاً فراموش خاطر نموده اید کہ بار بار دشمنان تانرا بحالت زیون و زار نہ یکبار و دو بار بلکہ بار ها با لشکر از پشت افگندہ بر سینہ او نشسته اید. لاکن بجای اینکه این فرصت را غنیمت شمرده مدعی را دفعتاً بکیفر کردارش رسانیدہ حوالہ دارالبوار و تحیل نارش مینمودید، چون از تعلیمات نظامی و اصول عسکری و امورات حربی بیخبر بودید، برین ضعف موہومہ دشمن فریفته شدہ او را گذارده در عقب غلہ و دیگر حوائج معمولہ خود رہسپار مقامات خود گریذہ اید. دشمن ازین مسائله و نادانی تان در آن موقعیکہ بایستی نام و نشانی از او نمی بود بمقابلہ تان کامیاب شدہ از دست تان زندہ جانبر شدہ است.

دیگر اینکه: آیا شما دشمن خود ها را در کدامین موقع مغلوب و منہزم نموده اید؟ آیا شما بروی تعرض برده اید و یا عدوی تانرا درخاک خود عقب نشانادہ اید؟ و یا اینکه دشمن داخل پاک مملکت عزیز تان گردیدہ، مقامات مهم را از نزد شما تحت تصرف آورده است و بعد بمال ناموس و جان و آئین و دین تان دست تعصب پرستش را دراز کردہ است شما بمقابلہ مشتی کہ از وی بر پشت خورده اید، بالمقابل لگد تانرا بر سرش حوالہ کردہ اید؟

دیگر اینکه: خودتان دعوی دارید کہ ما « بار بار دشمن را مغلوب و مقهور و مخذول کردہ ایم ». آقا در نتیجہ این شکست و انہزامی کہ بار بار بدشمن داه اید، آیا کدام بالشت خاکش را ہم تحت تصرف آورده اید؟ و یا چیزی فائده مادی و معنوی را ہم حائز شدہ اید؟ بالآخر یک قریہ و قشلاق مقامی را از

جمله آن ایالات و ولایاتی که دشمنان از شما یکی بعد دیگری گرفته تحت تصرف مغبوضه خویش درآورده اند، هم گرفته اید و یا صرف همین قدر کرده اید که دشمن را از گلیم و فرش زیر پای و از خانه و کوچه خودها در حالیکه در دل و جان و جگرتان پناهاده چشمهای تانرا کور مینمود، بیرون کشیده اید؟ وبس .

این استقلال را خداوند بفضل و عنایت خود عطا کرده و باز در عالم اسباب از تشویقات و ترغیبات من عاجز شما او را نائل آمده اید و الا نه شما از این مسئله خبر بودید و نه زمام داران سابق بر فوائد شخصی خود بشما اطلاع این امر را میداد که افغانستان زیر حمایه انگلیس است. اگر خداوند سلطنت را بمن عاجز ارزانی نمیکرد، اغلباً این زهر قاتل را ملت مظلوم ما تا پنجاه سال دیگر به توهم نوشدارو تناول میکردند. بعد از اینکه اثرات اغیار در عرق و شرائین شان کار گرمیشد، باز اگر چه خبر دار میشدند اما آن اطلاع مانند جو زیر کوتل سودی نه بخشیده همه سعی و کوشش و مساعی که در راه استخلاص خود میکردیم، بفعوای مشتی که بعد جنگ بیاد آید، بکله خود باید زد، کارگر نمیشد.

ملت عزیزم ! دشمنان ما و شما بخوبی میدانند و می فهمند و تجربه های سابقه و اوراق مجلی تاریخیه بدانها یادمانی میکند که ملت افغانرا ما بزور سر نیزه و قوای نظامی خود مرعوب کرده نمیتوانیم. از این رو منبعث از این، کوشش و سعی که داشته باشند از رهگذر سیاست و دسیسه و نفاق افگنی و شقاق آفرینی و تولید مشکلات و موانعات برای ترقیات حکومت و ملت و سلطنت ما کار میگیرند. لهذا لازم آمد که برای اندفاع این مشکلات و ارتفاع این موانع قوای بسیار منتظم و مکمل و ماهر بفنون حاضره حرب برای هر وقت هر زمان حاضر و آماده داشته باشیم. دشمن بر ملاء نمیتواند که با ما و شما مقابل شود، هر چه که بخواهد بر علیه ما زیر جال سیاست پرده های مخادعت [خدعه] کردنی است. پس باید ما هم برای سد باب سیاست و دفع خیانت شان سر نیزه های بسیار درخشان شجاعت و شمشیر های بیشمار جسارت بنیان حماسه را حاضر و آماده داشته باشیم.

اندکی تأمل کنید و وقت را بکار ببرید از زمانیکه شما ملت افغانستان بخدمات نظامی و عالم عسکری دلچسپی خود تانرا در تناقص گذاشته به نظام اندک اندک داخل میشوید، از همان روز رقبه وسعت افغانستان روز بروز کاسته شده ، سرحدات و مواضع مدافعه او کسب زیادت و اتساع نموده میرود. فکر کنید بدین اندازه هنگفت سرحداتی که افغانستان با دول همجوار دارد و محض برای تحفظ آن بدون عملیات جارحانه چقدر عسکر لزوم دارد و باز در مورد محاربه درین نقاط بکدام پیمانانه سرباز در کار است.

امروز کم از کم برای افغانستان بودن پنج لک نفر سر باز مسلح در کار است. اگر حکومت این عسکر را بطور خوش رضا بگیرد و باز در تحویل لوازمات و ضروریات آن برآید، معلوم است که خزانه دولت متحمل آن حسب خاطر خواه شده نمیتواند، حتی اگر همین یک لک سرباز را که فعلاً ما و شما وجود آنرا در همه حال بدولت ضروری میدانیم، بطور خوش رضا بگیریم کم از کم به چهل روپیه ماهانه فراهم خواهند شد. بدیهی است که اداره نمودن همین نفری بدین مخارج گزاف نیز خالی از اشکال نیست. پس لازم آمد که افغانستان نیز همان طریقه را که امروزه در تمام دول عالم و ملل بنی آدم در استجلاب سربازان مروج و معمول است، بکار برد. {که ما بدان نظام وجوبی و جهاد اسلامی نام میگذاریم و دیگران او را نظام اجباری میخوانند ، ب. د.} چنانچه امروز دولت معظم ترکیه بهمین اصول عسکر دارد و ملت جرمن نیز برای احضار عسکر همین طریقه را مرعی میدارد و دیگر دولت های کوچک که ملت شان اندک است، نیز همین مسلک را تعقیب میکنند. فوائد اخذ عسکر بدین اصول

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

حسب و ترتیب و نوبت بسیار است، منجمله آن قلت مخارج دولت و نظامی شدن تمام ملت است که حسب موقع و لزوم دفعتاً حکومت میتواند که تمام ملت خود را تحت سلاح آورد و با دشمن بجنگد.

چنانچه بهمه شما معلوم است که درین نزدیکها دو مراتبه حکومت تان از این اصول مفید مستفید گشته است و از تمام ملت همدرد و شجاع خود که قبلاً تعلیمات نظامی خودها را حسب قرعه و نوبت خود تکمیل کرده بخانه های خود رفته بودند، اردو های منتظم و فرقه های ملکی را تنظیم و ترتیب داد: (۱) در محاربه استقلال سنه (۱۲۹۷) (۲) در واقعه حاضر سمت جنوبی و اگر همین اصول نفوس از زمان سابق والی الان در افغانستان ترویج نمی یافت و عموم ملت به تعلیمات نظامی کسب معلومات نمی نمودند، پس آیا در محاربات همان ملت باز در عقب غله یا در پس سر پرستی عائله و یا بمتابعت فلان خان نمیرفتند و مفت و رایگان حریف خود را بر خود غالب و کامیاب نمی نمودند. مردیکه باصول عسکری آشنا شود و در تعلیمات آن فهمیده و دانا باشد، خودش کی در موقع محاربه و خبر ورود خصم بخاک مملکتش میتواند که بخانه بنشیند و بنظام شامل نشده خدمتی را انجام ندهد. بالعکس مرد نا بلد و بی تجربه با اینکه قرار اوامر شریعت و اسلامیت و وجدان خود در محاذ جنگ شامل شود، بعد از مکث قلیل در عقب عایله و فامیل خود رفته میدان را خالی میگذارد.

تا حال در نظام، بعضی تعلیمات غیرمفید بوده برای ترقیه حیات آتیه و آرامی و آسوده گی آینده نظام چیزی سنجیده نشده بود، از این رو اکثری از عسکر بعد از اینکه میعاد خدمت شانرا تکمیل مینمودند، بخانه خود رفته بیکار و بی کسب و معطل میماندند. اکنون در نظر داریم که تعلیمات غیرمفید مانند اجه پک، تندی پک، زیرزد و غیره اشیا را موقوف داشته صرف تمام تعلیم نظامی را موقوف به نشان زدن و شجاعت، تحویل و تبدیل داده بعوض آن تعلیمات مفیده دیگر مانند اصول زراعت طریق اکتساب عسل از زنبور، صورت گرفتن ابریشم از تخم پيله و یاد گرفتن خواندن و نوشتن را بطرز جدید و امثال آن برای عسکری در مدت اقامت شان در قشله عسکری، نشان داده میشود تا بعد از اختتام موعد خدمت خود نه تنها صاحب کمال و دانسته باشند، بلکه نمونه خوب و استاد مرغوب اهل قریه خود در این اصولها بوده باشند.

چنانچه فعلاً ما این اصول را در قطعه ارگ ترویج داده ایم، اگر خواهشمند باشید اینک یکنفر سپاهی را از میان این سپاهیهها که حاضرند، خواسته از وی در خواندن و نوشتن سؤال کنید. خلاص اینکه اصولی را که حکومت سابقه و حاضره تان در اخذ عسکر از افراد ملت گذرانده است، بسیار خوب و وجود آن از حد ضروری.

ضرور بایستی که تمام افراد ملت بدون استثناء خان و ملک و کد خدا و غریب از عمر (۲۲) ساله الی (۲۷) ساله، اگر ضرورت اقتاد بالا تر از آن تامیعیاد معینه داخل سلک عسکری شده بعد از تکمیل میعیاد خدمت خود و افسر بخانه خود مراجعت کرده عوض او دیگری جلب میشود. اصول و قواعدی که برای اشخاص بیکس و معیوب و مفرور و غیره گذارده شده، سراسر مبنی بر انصاف است. من عاجز فکری که داشتم و کوششی که از زمان شهزاده گی خود الی الان در اصلاحات نفوس نموده ام، همین است که بصورت موجوده جریان دارد، زیرا که در موقع ضرورت تمام ملت ما عسکری شده در میدان محاربه مانند ترکیه و جرمنی و دیگر دولیکه این اصول را تعقیب میکنند، حاضر شده کار میکنند. اگر شما حضار لویه جرگه این اصول را قبول دارید و الا اگر کدام طریقه و اصولی بهتر ازین در نظر دارید، نیز بفرمائید تا در آن دقت شود.

**لویه جرگه :** تماماً ازین اظهارات و بیانات هدایت آیات شاهانه در تحت چنان یک تأثر و رقتی آمده بودند که کشیدن مرقع آنحالت شان از قوه قلمی ما خارج است. به هر تقدیر بعد از اختتام کلام شاهانه یکی از میان بر خواسته بعرض رسانید: اعلیحضرتا! باندازه که کلام هدایت اتسام تان موجب خوشنودی و مسرت لویه جرگه گردید، بهمان درجه بلکه بیشتر و افزونتر از آن این طولیت تقریر شاهانه و کلمات تعریضه ملوکانه موجب انفعال و خجالت مایان گردیده است، زیرا که هر کدام ما در راه خدا خدمات اسلامی و مملکت و شخصی اعلیحضرت سر و جان، مال و ناموس، ثروت و دولت، هستی خود ها را قلباً و صدقاً فدا میکنم و هر کدامی ما برای خدمت نظامی که در حقیقت اقامه (جهاد فی سبیل الله) و خدمت در راه اعلائی کلمه الله است، حاضر و مهیا بوده در آن امور بیشتر ازین بیانات گهر آیات ملوکانه معلومات داریم و هر کدام ما بهر نوع خدمت و تکلیفی که ذات جهانبانی ارشاد فرماید، الساعه و در همین دقیقه حاضر و آماده ایم. حالانکه از سیاق کلام خسروانه اکثری از اشخاص ظاهر بین و این مامورین دولت که بمقابل ما نشسته اند، چنان توهّم نموده خواهند بود که ملت افغانستان اغلباً از خدمت نظامی سر کشی دارند و در اعطای سر باز تعلل و بهانه جوئی همی نمایند که ذات شوکتسمات خسروانه بدین اندازه کلام خود را مبسوط و مشروح فرمودند. در اثر این کلام از طرف عموم لویه جرگه نیز همچنین کلمات گله آمیزی ایراد و اظهار گرمجوشی های شدید و فدا کاریهای مزید در خدمت نظام کرده میشد. نطق و آواز هر کدامی از آنها به آواز های تکبیر و تهلیل یک غلغله را بر پا کرده تقدیر و تحسین میشد، تا اینکه ذات جهانبانی تکراراً قطع کلام شانرا نموده فرمودند :

**اعلیحضرت :** کلا و حاشا ! که من ابدأ این کلمات را تعریضاً و یا شکایتاً نگفته ام. بلکه مقصودم از این بیانات صرف مزید اهمیت عسکر و لزوم نظام بدین اصول حاضره داناندن و ذهن نشین نمودن تان بود و بس، زیرا خودم میدانم که ملت شجاع افغانستان طبعاً جهاد را دوست دارند و خدمت نظامی را عیناً اعلائی کلمه الله می انگارند و از اعطای نظام و تحمل همه گونه تکالیف آن بقدر یکسر مو تخلف و تجاوز نمی نمایند و این اساسی را که حکومت مقرر داشته است، تماماً بنظر قبول می نگرند. غرض و مقصودم اینست که شمایان مواد اساسی نظامنامه نفوس را تماماً بکمال شوق قبول دارید، آیا فروغ او را نیز همچنان تائید میکنید و یا در آن چیزی بحث کردن را آرزو داشته میخواهید که آن فروغ بکدام طرز دیگر مقرر شود .

**لویه جرگه :** از این اظهارات مجدد شاهانه تماماً اظهار شادمانی کنان از طرف عموم کلمات دعایه و اظهار گرمجوشی و فدا کاری و آماده گی عموم ملت افغانی برای خدمت نظامی و همه گونه اوامر اعلیحضرت غازی را ایراد گشته کلمات هر کدامی از آنها به آواز های تکبیر و تهلیل تائید و تقدیر شده بالأخره باز ذات ملوکانه فرمودند:

مقصد از انعقاد این مجلس عالی ایراد نطق و خواندن ادعیه نیست، من از تمام شما ممنونم و احساسات محبت کارانه تان را نسبت بخود بهتر میدانم، تا بتوانید در موضوع مذاکرات خود [باقی] مانده از مطلب بیرون نروید و یک آن بیشترافکار و نظریات خود تانرا نسبت بفقره های مبحوث رفته اظهار نمائید. مقصد این است که لویه جرگه نسبت به نظامنامه نفوس تنقید و تعدیل را در نظر دارید یانی ؟

**وکیل قندهاری :** اعلیحضرتا ! چنانچه مکرراً اظهار نموده ایم مال، جان، ناموس و هستی ما تماماً فدایت باد! نظامنامه را در مسئله نفوس ترتیب و انتشار داده جریان آنرا در تمام افغانستان امر و اراده فرموده اید، نهایت منصفانه و حقانه است، لکن اگر بالفعل ذات شاهانه صرف از قندهاریان نظام قومی

منظور فرمایند، همانا بیشتر اسباب ممنونیت ما رعایای صادق قندهاری خود را فراهم می آورند و زیاده تر برین ما را در مواقع خدمت صادق، راست و فدا کار خواهید نمود.

**وکلاء قندهار :** عدۀ از وکلای قندهار بعد از ختم کلام فوق برپا شده هر کدام شان حسب نوبه برین نظریه که اخذ نظام باصول قومی باشد، بیان دلایل و اظهارات مینمودند.

{در این محل مخصوصاً از طرف وکلای قندهار بسیار دلایل و التجاء ها نسبت بمنظوری نظام قومی معروض شد که تحریر تمام آن به تطویل می انجامد. اما اعلیحضرت غازی بدلائل ظاهر و اقوال باهر و نظریات خویش که به شمه از آن ما در ذیل می پردازیم، آنها را تسلیت و تشقی داده مضرات عسکر قومی را بد آنها بخوبی داناند. ب . د }

**اعلیحضرت :** ملت عزیزم! مرا شما خیر خواه خود میدانید! اساسی را که من برای منفعت شما طرح نموده یا مینمایم، هرگز از فائده شما خالی نمیشد. در آن اصول قومی بدیهی است که صاحبان غرض و دشمنان و خائنین اسلام اسباب نفاق و موجبات شقاق را بین شما تولید میکنند. علاوه برآن در وقتیکه عسکر در ملک باصول قومی خود حواله شود، ملک و خوانین و صاحبان رسوخ از نادانی و اغراض پسندی خود فرزندان و برادران، عزیزان حتا آشنایان خود را بهر ذریعۀ ممکنه که باشد، از خدمت عسکری باز میدارند، عدۀ پول میدهند، بعضی خود را در زمره سادات میشمارد و اشخاص خود ها را در جمع علماء محسوب میکنند. مقصد که بهزار حيله و بهانه خود ها را از نظام فارغ و ملت مظلوم و اشخاص عاجز و بی سبب و وسیله را در عسکری داخل میکنند و همین اشخاص بر قانون عدل و مساوات بنا بر منافع شخصی خود خط بطلانرا کشیده برای ملت عاجز و حکومت از این اغراض پسندی خود مشکلات را تولید مینمایند. از طرف دیگر خدمتی که از عموم نظام گرفته میشود، از نظام قومی بعمل نمی آید، زیرا در مسلک باشرف عسکری مانند شجاعت، اطاعت و فرمان برداری از ما فوق نیز حتمی و لزومی است. در صورتیکه یکدسته نظامی قومی باشد، کدام یک منصبدار حسب دلخواه از وی کار گرفته میتواند.

شخصیکه در باره قبولیت نظام قومی اصرار کند و یا این عرض را بالتکرار تذکر نماید، نه تنها تن من بلکه حصار او را نظر بدین تلمیحاتیکه در فوق کرده شد، صاحب غرض می پنداریم. بلی ! اگر عموم ملت و طبقۀ رنجبر و عاجزان مملکت حاضر شده رضا و تن دهی خود ها را در این طریقه قومی اظهار کنند، دولت نیز باستماع این عرض آنها حاضر است. مگر من وکالتاً از طرف آنانیکه صدا و نداء آنها تا بحکومت رسیده نمیتواند و طبعاً تحت نفوذ و سلطۀ خوانین و مالکان و کلان شونده گان خود غرض منفعت پسند بوده بر خلاف میل و رضاء آنها گام بر نمیدارند و آب و طعام تناول نمی کنند، میگویم که اصول پاک و بی آرایش که در آن هیچ یک نوع دست بازی و رشوت خوری بعمل نیاید، همین اصول اخذ عسکری است که بقرعه و بدون ازین اصول ابداً ممکن نیست که بار اندازی نشود. آیا شما بخاطر ندارید که در زمانۀ سابق همین رسالۀ شاهی که باصول قومی بر شما مردم قندهاری حواله شده بود، تمام سکنه آنجا را بفرغان نیاورده بود و تا آنکه حکومت بقوه اجراییه خود آن مقصد را پیش نبرد در جمع آوری آن شما دوچار مشکلات و پریشانی نشده بودید؟

**سردار عبدالعزیز خان رئیس تنظیمۀ قندهار:** در موضع دست اندازیها و بارافگنی ها و رشوت خوریها و مظالمیکه در اصول قومی در بین همین نفری قندهار که فعلاً باز خواهش جریان آنرا مینمودند، شده بود و حضرت ریاست پناهی آنرا بالراس والعین مشاهده کرده معلومات داشت یک بیانیه مفصلی ایراد داشته اشیا و نظایر و امثال آنرا برای وکلاء حاضر و همین مدعیان موجودۀ اصول قومی ایراد کرده

آنها را از مزید تعقیب این اصول غیر و موزون بدلائل و براهین مانع شده ضمناً بدانها گفت که من شما را از اظهار افکار و بیان نظریات و عرائض تان مانع نمیشوم، مگر اینقدر بشما میگویم که شما از جریان اصول قومی ملت عاجز خود را تباه میکنید، چنانچه باکثری شما و کلاء معلوم است که پارسال چند نفر اعزه شما از یکنفر بیوه زن عاجز چند صد روپیه را در بدل یکنفر قومی خواستار شده بودند، آن مظلومه در یک عالم آه و ناله و فغان به نزد حاضر شده تا اینکه او را از این بار اندازی شما نجات دادم و بر مثل آن چندین نفر عاجز و پیر و مسکین و معیوب به نزد عریضه پرداز شده اند. آیا شما تاوان اسلحه و جرم غیرحاضری قومی را بر تمام افراد ملت خود حواله نکرده اید؟

**وکیل قندهار :** کلمات منصفانه را ایراد کنان بعرض رسانید که در اصول قومی باینکه ما اعزه و اکابر سودمند و خوشوقتیم، لکن مردم غریب و عاجز و عموم ملت بهمین طریقه مرضیه شاهانه که در نظامنامه نفوس توضیح شده است، رضامند و دعا گویند تا هم از روی لطف تنها اگر عوض هم از اشخاص معذور پذیرفته شود، اندکی در بدل عسکری نیز تقلیل شود، چقدر خوب خواهد شد

**ملک جیلانی چپرهار :** اعلحضرتا! زن، فرزند و مال و هستی ما در راه خدمت اسلام و مملکت فداست. نظامات و قوانین که شما برای رفاه مایان تدوین داده اید، اسباب راحت و ممنونیت ماست. مخصوصاً از روزیکه نظامنامه نفوس سر کار شده، چه آرامی است که برای ملت صداقت بهم رسیده و چه دعا گویهائی است که برای ذات ستوده صفات از هر گوشه و کنار ندر نشده است و نمیشود. فاما اگر در خوبی و عمدگی آن فقط در تقلیل بدل عسکری تا اندازه که طبقه عوام متحمل شده بتواند و قبولیت عوض اشخاصیکه خود شان ذاتاً بنا بر معذرت و یا مجبوریت شرف و مفخرت سلک عسکری را نائل شده نمیتواند، بفرانید بیشتر و خوبتر و از حد از مکارم اخلاق و مراحم و اشفاق تان ممنون و متشکر می شویم.

**عموم نماینده گان سمت مشرقی :** بتائید این قول مؤدبانه تمام وکلا و نماینده گان سمت مشرقی بر پا شده بالفاظ درست و عبارات احسنت شرف و عزت خدمت عسکری و لزوم آن را برای تمام عالم اسلامی و برای ملت افغانی که دانه وار در میان دو سنگ طاحونه افتاده است، خصوصاً از حد ضروری و حتمی نشان داده هر یک شان ضمناً از قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری را طبق مقوله ملک جیلانی چپرهار بحث رانده کلمات هر کدام شان به تکبیر و کف زندهای شادمانی تأیید میشد

{ در این مفکوره نه تنها وکلای سمت مشرقی و قندهاری بلکه عموم وکلای افغانستان حصه گرفته تماماً در تقلیل بدل عسکری و قبولیت آن عرائض و التجاء مینمودند. از طرف ذات همایونی نسبت به ازدیاد بدل عسکری و موقوفی عوض اسباب و علل بسیار ایراد و کلمات زیاد گفته شد که ما از جمله آن بعضی مطالب خوب آنرا در ذیل اقتباس میکنیم. }

**اعلیحضرت :** مقصد از زیاد بدل عسکری از سه روپیه الی هفتصد روپیه جمع آوری ثروت و پول نبوده و نمیباشد، تنها میخواستم تا مردم ازین خدمت سرا پا شرف پر مفخرت بواسطه تحویل نمودن پول، خود ها را محروم و خلاص ننمایند، حتماً در نظام داخل شده بعد از فراغ تعلیم واپس بمقامات خود عودت کند تا در موقع لزوم و در حین محاربه چنانچه گفته شد، عموم ملت ما از فنون نظامی و امورحربی مستحضر بوده خار چشم دشمنان و سد آهنین بمقابل خواهشات اعدای مملکت شان افغانستان بوده باشند، زیرا ابداً دشمنان خود را بواسطه ثروت و هستی خود عقب نشانده نمیتوانم. حتی اگر ما تمام پل سیاسی خود را جمع کرده بر آنها بیفکنیم، اوشان متأثر نخواهند شد، اگر آنها (لاقدر الله)

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

اراده کنند که مایانرا بزیر یک کوه طلا بکنند، البته برایشان آسان است و سهل، چیزیکه دشمنان ما را ناکامیاب و مقاصد سراپا مفسد او شانرا خراب میکند، همانا حب اسلامی و قوهٔ عسکری و شجاعت و دلیری ما ملت افغانی است .

علت موقوفی عوض از آنست از تجربهای چندین ساله که این عاجز از زمان شهزاده گی خود که این کار ها در آن ایام هم بمن محول بود، الی آلان نموده ام خوب دیدم و سنجیدم که از عوض هیچ یک فائده نه برای اصل و نه برای دولت عائد میشود. شخص عوض اولاً بهزار عذر و معذرت پیدا میشد و نرخ خود را دو بالا نشان داده دو چندان خساره را که برای شخص اصل در صورت انجام دادن خودش بالذات در خدمت نظامی عائد میشد، لا حق میکرد. در بسا اوقات بعد از اخذ بدل عوض از اصل و پوشیدن البسه نظامی و تحت سلاح آمدن فرار کرده دو باره اصل خود را بدست محصلان میداد. اکثریه که غیرحاضر میماند، رقعہ غیرحاضری او بهمراه محصل بر اصل می آمد. از یکطرف پول تنخواه اصل مفت میرفت و از جانب دیگر دو چندان آنرا جهت استرضای عوض خود بدو میپرداخت و همواره موجبات خشنودی او را حاصل میکرد. همچنان دولت نیز دچار مشکلات بوده دائماً قرارگاه های نظامی مصروف به شنیدن عرائض و گذارشات اصل و عوض میبود و نقص کلی که بدولت وارد میشد این بود که در موقع لزوم ضرورت، عوض حاضر نمیشد دولت مجبوراً اصل را میخواست که آن بیچاره از کار نظام اطلاع نمیداشت و علاوه برین نقصانات دیگری نیز داشت که تذکرش بطوالت می انجامد .

{ در اینجا چون ساعت از وقت موعده اختتام مجلس تجاوز کرده بود، اعلیحضرت همایونی بحث را خاتمه داده حضار را بمزید تفکر درین مورد یا دهانی کرده تصفیه این مبحث را بفردا ملتوی داشته مجلس انفصال یافت . ب. د }

### (ادامه در قسمت هژدهم)

---

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ